

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۰۹ جنوری ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

مفهوم شناسی فضیلت در مبانی فلسفه حق چیست؟

فضیلت الگوهای ذهنی و اخلاقی است، که پدیداری آن: اولویت نفع عمومی در برابر نفع خصوصی در فرد و افراد می باید...!

شرح مسأله:

فلسفه حق را هگل المانی طوری بیان می کند که: روح ما آزادست تا به حق می رسیم و جان لاک هم حق را، مرتبط به آزادی گفته است. پس آزادی بستر و وسیله رسیدن به حق است، که پدیده های حق یا حقوق چون: حقوق طبیعی، اعلامیه های حقوق بشری و نظام حقوقی سیاسی داخل کشوری، منشور سازمان ملل و غیره... که نقض حقوق امروزه در بستر رسانه های جمعی مخصوص اینترنت به مثابه خودکشی سیاسی در داخل کشوری، و در سطح بین المللی پنداشته می شود.

حتی گروه حاکم یا طالبان در افغانستان از نقض های حقوقی در رسانه ها به گونه شفاهی دفاع نمی کنند، بلکه توجه و تعبیر ها دارند، که متأسفانه قدرت دانش ژورنالیستی در افغانستان و یا برای افغانستان در پاسخگو کردن قدرت حاکم ضعیف، و عدم توانائی سازنده شان می تواند استنتاج بر عدم استقلال رسانه ها باشد. البته در طول بیست سال گذشته یگانه موردی که قابل دفاع بود، و آن آزاد بیان است، که آزادی بدون عمق دانش یا بیان سازنده را هم یکی از عوامل سقوط نظام جمهوری و بستر دزدی مجریان قدرت دانست. یعنی جهل بدترین نوع بردگی است که متأسفانه تصمیم سیاسی اگر از مبانی خرد سیاسی نباشد، نتیجه نقض حقوق بشری و سیر جامعه سیاسی در مسیر تنزل قرار داده می شود.

از اینجاست که جمهوریت را نیز فضیلت گفته اند: همانا از خود گذری برای منافع مردمی که در فقدان این فضیلت در جامعه توده نی، دموکراسی آورده شده یا داده شده صورتی، مسبب تباهی و نیستی اعضای جامعه می شود. یعنی دموکراسی و جهل از مبانی فلسفی تلفیق ناپذیر هستند. در حقیقت هیچ دولتی برای هر عضو از جامعه یک پولیس یا عسکر مقرر کرده نمی تواند تا قوانین رعایت گردد، و این خرد جمعی مسبب امنیت و آرامش با همکاری دولت مردمی اقتدار و پایداری جمهوریت است.

بدون شک در بیان فضیلت، ارزش های حاکم هر جامعه نقش سازنده دارد و این که ارزش های حاکم مثلاً دین در افغانستان وسیله رسیدن به قدرت شود، که وضعیت را پدیداری جهل جامعه می توان گفت. زیرا دیکتاتوری محصول جهل و عوام فریبی است، یعنی دین فرد نیست، آئین و روش به حقیقت رسیدن است، که مبانی قوانین از ارزش های حاکم و قوانین جوابگوی نیازمندی های عصر، که مجریان را هم در بستر شایسته سالاری قانون مشخص می کند. و حاکمیت قانون فضیلتی که امروزه در برابر این ارزش متعالی انسانی هیچ عاقلی ستیز ندارد.

باید دانست تا زمانی که فضیلت انسانی در مبانی فلسفه حق، در جامعه درون سازی نشود، جنگ حرف اول را می زند نه دیپلماسی، زیرا فضیلت انسانی در مذاکره برای از بین بردن مناقشات و معضلات، و متجلی آن در دولت که خرد سیاسی مبانی تصامیم است، جامعه مطلوب و ایده حال و ثبات سیاسی اجتماعی ارمان می باشد، که به گونه متوالی، برای چندین نسل، یعنی مدام و همیشگی و این است حاکمیت ملی و همدیگر پذیری انسانی ...